

کتابخانه ایرانی هانوفر
Iranische Bibliothek in Hannover
1986



خبرنامه

سال دوم

جریکهای فدائی خلق ایران - مازندران

تاریخ ۱۳۵۹/۱۱/۵

شماره: ۴۲

باید در جریان مبارزات توده‌ها،
در هر شکل و سطحی که باشد،
قرار داشت و آنرا ارتقاء داد!

بیش بسوی مبارزات توده‌ها!

تکرار

بهاء ۲۰ ریال

مدرسه: جریکهای فدائی خلق ایران

چرا ارگان نمی دهیم

از جندی پیش رفتنای هوا دار مکتدا " ضرورت انتشار ارگان چریکهای فدائیان خلق را با یادآوری می شناسند ، آنها بحق خواستار آن هستند که ما زمان ما مواضع خود را از طریق ارگان در اختیار جنبش قرار بدهند ، از نظر ما نیز ضرورت و اهمیت ارگان انکارناپذیر است و اعتقاد داریم که انتشار آن از طرف ما یعنی مهم ترین جنبش خلق ایفا خواهند نمود ، بخصوص برای ماکه امکان ارتباط مستقیم با همه رفتنای هوا داران را با انتشار ارگان در همسو و هم جهت کردن فعالیت همه رفتنای نقش بسزایی دارد ، گویا اگر چنین ارتباطی نیز وجود داشت ارگان همچنان این نقش را دارا بود ، ارگان بیش از هر رابطه مستقیم و بیشت از هر اعلامیه و جزوه قاهر است پس به نهم هر چه مؤثرتری ایده های چریکهای فدائیان خلق را بر میان رفتنای هوا داران توده ها برده و انرژی انقلابی آنها را در سیر و واحدگانالیزه نماید و بالطبع قادر است انرژی زیادی را که هم اکنون بدلیل فقدان ارگان صرف بعضی امور می شود آزاد نماید و در خدمت اعتلای هر چه بیشتر ما زمان قرار دهد .

هر چه دشمن در جریان حوادث و مسائل روزمره مورد افشاکری قرار بگیرد و هر چه وسیله اینکار مناسب تر باشد ایده های انقلابی با قدرت بیشتری امکان نفوذ در توده ها می یابند و برای آنان مادی می شود و ابورتو نیست ها نیز که درست در جریان همین حوادث و مسائل اجتماعی عقاید انحرافی خود را بدرون توده ها می برند با بدبا و وسیله ای مناسب و بصورت مستمر انشاء شوند ، جنبش انقلابی خلق در هیچ شرایطی نمی تواند بدون آنکه در کنار مقابله با دشمن ، با ابورتونیسیم به ستیز بر خیزد و راه پر شکوه خود را بگشا بدوید پیش برود ، جنبش کسری در فعالیت های ضربه زننده ابورتونیسیت ها و افشای ماهیت آنان به بهترین وجهی از طریق انتشار ارگان امکان پذیر است .

در گذشته با رشد مبارزه طبقاتی در گره گاه های خاص که جنبش با گشودن آنها و پاسخ گویی صحیح به آن مسائل می توانست پیش برود ، ابورتونیسیت ها همچون خاری در سراز آن ایستادند و دلی چرخش های تاریخی هر بار رفته آنان را روی آب انداخت و رسوایشان ساخت ، در چنین مواقعی انتشار ایده های ما در جنبش و مقابله با عمل کردهای ابورتونیسیت ها در افشای هر چه بیشتر آنان مؤثر بوده است .

هنگامیکه رژیم مضحکه انتفا بیا ت برای مجلس خبرگان ، انتفلیت ریاست جمهوری ، انتفلیت مجلس شورای اسلامی ، را بر راه انداخت ، ابورتونیسیت ها با هر ما زر رژیم رقیبند و کوشش کردند توده ها را نیز به این مضحکه بکشانند ، آنها تا مدت ها قبل از اینکه توده ها خود به ما هیت فدائیان رژیم جمهوری اسلامی پی ببرند سعی در ایجاد توهم در توده ها می نمودند و ما هیت حکومت را خلقی و ضد امپریالیست جلوه می دادند و با این توهم در جریان اشغال سفارت آمریکا توسط حکومت ربا جا رو جنرال تبلینا تی خود را و حکومت در فریب توده ها بودند و پس از آنکه رشد مبارزه طبقاتی برده های توهم توده ها را در برد ، ابورتونیسیت ها به سنگش افتادند و گفتند ما هم می دانیم که رژیم ما هیت فدائیان دارد و در جریان سفارت فریبی پیش نبوده است (هر چند که ما بی تحمیل های آنان در این موارد تمسیر نکرده است) و بر روی خود نمی آورند که دشمن خلق یعنی رژیم جمهوری اسلامی را در تحکیم پایه های حکومتش چه یاری ها که نکردند و اکنون در کره ستان قبرمان در همین حال که جنبش سترگ خلق دلاور کرد آنها را بدنبال خود کشیده است ولی آنها از هیچ کوششی برای منصرف کردن این جنبش فروگذار نمی کنند ، اعتقادات منحنی آنان مبنی بر غیر ضروری بودن جنگ قبل از تشکیل حزب کمونیست آقا یان ، یا آنچه واقعیت جنگ ما دلانده خلق کرد و در مفا بر است و از این رو در راه بیشتر باقی نیست یا دست از تشریح های غیر علمی خود بردارند و در جهت رشد و اعتلای هر چه بیشتر مبارزه مسلحانه توده ای فعالیت کنند و با پیش ایده های خود در جنبش ، تا آنجا که می توانند مانع از پیشرفت انقلاب گردند و ابورتونیسیت ها که راه دوم را برگزیده اند با تمام ظواهر آراسته شان جز در جهت خاموش ساختن مبارزات توده ها قدمی بر نمی دارند .

تسا می این مسائل و هر آنچه که در روند مبارزه طبقاتی پیش خواهد آمد ، ما باید توسط ما به منت کشیده شود ، با بد کوشیم هر چه بیشتر از راه شیرایده های ابورتونیسیتی بروی جنبش خلق جلوگیری نمائیم و بیکسو واقعیت خود جنبش خلق ، آنان را از منحنه مبارزات پر شور و ضد امپریالیستی توده ها ایزوله نمائیم و کار افشاکری هر چه منظم تر و بی گبرتر را در ما بد شریعت تر خواهد بود و بدون شک کار ما از طریق وسیله این امر نیز ارگان است ، باری این نکته نیز لازم به تاءکید است که با تمام ضرورت و نقشی که مبارزه آید و تلوویژیک در جنبش ایفا می نماید بد دست آخرا این عمل انقلابی است که توانائی ایزوله کردن ابورتونیسیت ، افشای ماهیت دشمن و رشد جریان انقلابی را تضمین می نماید ، بعنوان مثال " اکثریت " کذابی حتی اگر در همان ابتدا به افشاکری های ما

در مورد خود پاسخ مریخ میداد و اعتقادات " توده ای " خود را بوضوح بیان می کرد. تا به آن حدی اعتبار نمی شد که در جریان رشد جنبش و با موضع گیریهای که در رابطه با جریان عملی جنبش اتفاق افتاد، رسوا گردید. اکثریت هریک از نیروهای فرمت طلب قسمتی از نیروهای جنبش را بفرود مشغول کرده اند. " اکثریت " فدائی هرسوز خود را در میدان جایی زنده نمیدانیم. محض خواهد بود اگر تصور کنیم راه ایزوله کردن نیروهای اپورتونیست و با جریان خائن اکثریت، تنها با برخورد صحیح تئوریک و مواضع قوی در مبارزه ای دشمنولوژیک امکانپذیر است. و موجب گوریدن هر چه بیشتر هواداران آن بسوی ما می شود. این درست است که در کشور بی ساخت طبقاتی به میا رپیچیده ما زندا ایران خصوصا " در شرایط کنونی که بحران عمومی تقریبا " همه طبقات و قشرهای جامعه را به میدان سیاست کشیده و همه هم هستی خود را در گرو این کشمکش سیاسی می بینند. وقتی بگ ما زمان سیاسی بسته است راست می رود بسیاری از هواداران خود را در سمت چپ از دست می دهند و هواداران جدیدی و چه بسیار از لحاظ مادی قوی تر در سمت راست به روی می پیوندند. وانگهی چنین سازمانی خیل هوادارانی را نیز که بطلست میگاه طبقاتیشان از تصحیح مبارزه می هراسند در این انتقال بر است همراه خود در دو نقطه ما اوج گیری کا ملا " جدی مبارزه است که اینگونه جریان های سیاسی منزوی می شوند. همانگونه که امروز اکثریت در کردستان به آن دچار شده است.

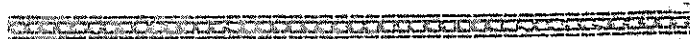
بنا بر این از نظر ما با تاء کید بر نقش عمل انقلابی و در شرایط مشخص ایران با توجه به ضرورت گسترش مبارزه مسلحانه توده ای و اتخاذ موضع گیریهای عملی، انتشار ارگان ضرورتی انکارنا پذیر می باشد. به سبب خلاف تبلیغات اپورتونیستی که معتقدین به تئوری مبارزه مسلحانه را به عدم اعتقاد به مبارزه ای دشمنولوژیک و کار تبلیغاتی سیاسی متهم می کنند، با اعتقاد ما نه تنها هیچگونه منافرتی بین انجام وظیفه انقلابی در حوزه عمل و در حوزه نظر وجود ندارد، بلکه این دو در ارتباطی دیا لکتیکی با هم بوده و در پیش بردن امر انقلاب تاء شیر مستقابل روی یکدیگر می گذارند.

با اینحال این پروسه به قوت خود باقی میماند که اگر ضرورت انتشار ارگان جزء اعتقادات واضح شمرده می شود چرا تا کنون در این راه اقدام نکرده ایم. باید بگوئیم حقیقتا " ما ز مدتها پیش برای انجام این مهم شروع به کار کردیم ولی در شرایطی که پلیس یورش خود را به جایگاهها گسترش داده بود، حتی تهیه امکانات فنی آن کار آسانی نبود. و امکانات فنی خود ما برای انتشار ارگان کافی نبود. همه می دانند هنگامیکه مبارز بندی قاطع خود را با اپورتونیست های درون سازمان جریکهای فدائی خلق ترمیم نمودیم و اپورتونیست ها را از صفوف جریکهای فدائی خلق راندیم، تمام امکانات سازمان که به بهای زحمات فراوان رفقای ما و خون گرانقدر شهدایمان فراهم آمده بود در واقع متعلق به جنبش مسلحانه بود. توسط جریان منحنف فحسب شده و کوچکترین امکانات سازمانی در اختیار ما قرار نگرفت و کار تدارک امکانات بدون اغراق مجدها " از عصر شروع شد. در تاریخ پرافتخار سازمان ما که گاه دشمن امکان می یافت ضربات سخت به آن وارد آورد، هیچگاه - چنین حالتی پیش نیا مدود در واقع میتوان گفت که ضربات اپورتونیست ها از ضربات دشمن کار ما ز تر بود و ما می بایست با تلاشی خستگی ناپذیر و با ایمان به پیروزی راهمان فعالیت انقلابی خود را بدون هیچگونه امکان مادی در شرایطی که جنبش نیز ابعاد وسیع توده ای یافته بود دنبال نمائیم، و در نتیجه ما تا مدتها حتی قادر به تهیه امکانات فنی لازم برای انجام ضروری ترین فعالیت های خود نبودیم. سه له انتشار ارگان نیز از این معضلات عبران بود ولی ما در جریان تهیه امکانات لازم برای انتشار ارگان هنگامیکه به بررسی اوضاع تشکیلات خود پرداختیم، متوجه شدیم که با توجه به محدودیت نیروی خود و ضرورت انجام وظایف پیشماری که پیش برداریم انقلاب بدون ما قرار میدهند با بی و در مدت کوتاه امکان انتشار ارگان را نداریم ما در تقسیم وظایف مسئولیت ها به عمده و غیر عمده دریا تقسیم که نیروی ما تکافوی انجام وظایف عمده را بصورت کامل نمی دهد و از اینرو معموم شدیم انتشار ارگان را برای مدتی بتأمین بیاندازیم.

در این مدت ما کوشش خواهیم کرد بر فعالیت تبلیغاتی خود از طریق دیگر میافزاییم و هر چه بیشتر به شرح و توضیح مسائل جنبش و سئوالاتی که در این زمینه برای هوادار مطرح است بپردازیم. و از رفقای هوادار نیز انتظار داریم که با درک معضلات فراروی رشد جنبش، مسئولیت خطیر خویش را در انجام وظایف انقلابی ایشان هر چه بیشتر دریا بند. رفقا با ید می کنند در زمینه مسائل نظری به کوشش مستمر خود در ارتقاء دانشی انقلابیشان بیفزایند. آنها با ید در رابطه با هر مسأله اجتماعی با توجه به خطوط کلی ای که با آنها را شناسایی می شود به کتب و آثار ما رگسیستی مراجعه کنند و هرگز منتظر آن نباشند که تشکیلات بنا سنگری ریزترین سئوالات آنان باشد. همچنین آنها با ید بکوشند و هوشیاری انقلابی خویش را در همه حال حفظ کنند و به دام تبلیغیات

منحرف کشیده نشوند. اپورتونیزم برای فرار از پاسخگویی به مسائل جنبش همواره یکی گوشه مسائل غیرعنده را مهم جلوه دهد و با برآه انداختن بحث های کدافی حول این گونه مسائل انرژی نیروهای انقلابی را معیروش کند. مثلاً "در رابطه با فرگیری کارگران لیستان با دولت و حزب کمونیست" این کشوردهما اپورتونیزم سیاسی خواهی رنگارنگ اتفاق کرده و هر یک با دیدگاه های خاصی خویش با طول و تفصیل از آن سخن گفتند ولی اظهار نظر آنها متکی به کدام منابع موثق بود؟ کسی نیست که همه آنها با تکیه بر روزنامه های امپریالیستیسی اطلاعاتی که از آن طریق بدست می آوردند به اظهار نظر و اتخاذ موضع پرداختند ولی این امر دیگر روشن است که هیچیک از تئوریاتی رسمی که در سراسر جهان توسط حکومت های فیدخلقی منتشر می شوند در دسترس خوانندگان لیستان ایرانی است نمی توانند اخبار و گزارشات موثقی را در اختیار خواننده قرار دهند. هر یک از آنها فراخور حال و منافع خاصی که دنبال می کنند اخبار و گزارشاتی را منعکس می سازند که بشواری می توان از خلال آنها به گوشه ای از واقعیت پی برد. در چنین اوضاعی یک جریان انقلابی که در قبال مردم خویش احساس مسئولیت می کند هرگز به خود حق نخواهد داد با استناد به اخباری غیر موثقی درباره مسائلی موضع گیری نماید. و لیسسی اپورتونیزم های مانده تنها چنین می کنند بلکه مسائلی اینچنینی را آنقدر بزرگ جلوه می دهند که گویی یکی از مسائل مهم جنبش خلق ما است و جنبش خلق بدون پاسخگویی بآن نمی تواند در این کشور بگشاید. این کار بیست نیروی انقلابی نیست. کار کسانی است که در زمان شاه نیز تحصیل های "مشغلی" با استناد به روزنامه های امپریالیستی عرضه کردند و دیدیم کارشان به آنجا کشید که فیالمثل در شرایطی که بهران اقتصادی و حتی سیاسی حاکمیت را بلرزده در آورده بودند آنها با استناد به آمار و ارقام دولتی، مناسبات اقتصادی را در حال رشد و حکومت را محکم و استوار میدیدند.

مثلاً "در مورد مسأله اخیر آنچه می توانیم به خلق خود بگوئیم اینست که ما هیت حرکت کارگران لیستان هر چه باشد، " حزب کمونیست " لیستان یک حزب کمونیست نیست، حزبی نیست که مدافع منافع کارگران لیستان باشد زیرا مگر غیر از اینست که وظیفه حزب دادن آگاهی به پرولتاریا و همسو کردن نیروی آنان در جهت منافع تائیدی پرولتاریا است. پس حرکت کارگران لیستانی در چنین اوضاعی بر علیه " حزب " با هر مضمون و محتوایی بیابگر این نکته است که " حزبی " که حاکمیت سیاسی را هم در دست دارد و از تمامی ابزار و وسائل تبلیغاتیسی و ارتباطی، پرولتاریا برخوردار است منافع طبقه ای را که در نظر ندارد منافع پرولتاریا است. ولی در مورد این که آیا کارگران لیستان در مقابل بله با حزب و دولت این کشور ملحق به دست محافل وابسته به امپریالیسم بوده اند و یا با رهبری و موضع انقلابی دست به اینکار زده اند نمی توان قاطع کرد چرا که بدلیل فقدان منابع موثقی آنچه ما میگوئیم در حد حدس و گمان خواهد بود. و نمی توان غیر مسئولانه در مورد آن سخن گفت پس رفتاریه مسائل را مسائل خود بدانند که مسئله واقعی در جنبش خلق با شد و در مورد مسائل آنها اظهار نظر نکنند و حداقل آنگاه می راد بر باره آن برای آن حد از تحلیل لازم در اختیار داشته باشند و تحت تاء شیرجوی که اپورتونیزم هسته در زمینه مسائل نظری ایجاد می کنند قرار نگیرند. بیروز و موثقی باشید.



(بقیه صفحه ۱۰)

باید جریان قیام قهرمانان مردم تبریز در سال ۵۸ را برای زحمتکشان شهرتان توضیح داده و خیلتهای حزب جمهوری خلق مسلمان و رهبری وابسته به امپریالیسم و ارتجاعی آنرا افشاء نماید. باید بداند که مسئله مخالفتها و دعواهای بین شریعتمداری و خصمی بر منافع خلقهای زحمتکش میهنمان نیست بلکه بر سر مهم بیشتر برای خود خواستی است. یعنی همان قضیه لحاف ملا است و نگاهی به گذشته و وضعیت حال آنان این مسئله را بوضوح نشان میدهد. آیا این شریعتمداری مرتجع نبود که هجوم ۲۸ مرداد به خلق رزمنده کرد، سرکوب میا - رزات کارگران کبریت سازی توکلی تبریز و غیره را تاء ببند کرد؟ آیا این او نبود که با سوار شدن بر موج حرکت مبارزاتی مردم تبریز آنرا به کجراه سازش و خیانت کشید و.....

او آخر آبانماه در مسجد کوی کوهان علیا بر سر اینکده پول مربوط به هزینه بخت نوشب شام در مسجد را به سه چینه بدهندیا اینکه برای مسجد فرش بخرند بحثی درگیر شد. پس از راه گیری هزینه مربوطه در حدود ۸۰۰۰ تومان به خرید فرش برای مسجد اختصاص یافت.

مهرماه ۵۹ - حدود پنجاه هزار جوجه های متعلق به چندین مرغداری آذربایجان و حومه برای شرکتی روسی - اشریودن و اکسن نیوکاسل تزریقی از میان رفته اند. بوق و گرانای تبلیغاتی جهاد سازندگی و دیگر ارگانهای رژیم جمهوری اسلامی نمی تواند چاره ساز ضررهای وارده باشد.



دانشگاه

در یکی از مصاحبه‌های "مدای جمهوری اسلامی"، گزارشگر را می‌پویند که آیا آموزش‌های فدائی در عراق در دسترس است و آیا در عراق امکان دارد که به آموزش‌های فدائی در ایران بپردازد؟
"حکومت عراق از تظاهرات دانشجویان و فعالیتهای سیاسی آنان وحشت دارد و برای مقابله با حرکتها و انقلابی دانشجویان مدارسی را تعطیل کرده است."

حال اگر بحای حکومت عراق، حکومت جمهوری اسلامی و بحای دبیرستانها، دانشگاهها را بگذاریم، باز هم این سخنان آگاهانه آن دانش‌آموز صحیح خواهد بود. آری اگر رژیم ضد خلقی عراق به سپاه جنگه مداریس را تعطیل میکند، رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی خیلی بیشتر و سادست زدن به کشتار دانشجویان مبارزان همان اهداف دانشگاهها را تعطیل نمود.

ما فکر میکنیم اکنون دیگر اهداف حکومت از تعطیلی دانشگاهها کاملاً روشن و آشکار شده است. سردمداران حکومت کوجه در آغاز "انقلاب فرهنگی" گذاشتن کشتار دانشجویان و تعطیلی دانشگاهها را نه مقابله با سیاسی با مبارزات دانشجویی، بلکه صرفاً "انقلابی فرهنگی" قلمداد میکردند و اگر آنجمنهای اسلامی دانشجویان به اتفاق پدرشان بحی حزب جمهوری اسلامی و دارو دستبندی مدرسه میگفتند که مسئله "فرهنگی" است و نه "سیاسی"، اکنون دیگر آشکارا اهداف خود را بر زبان می‌آورند. حال دیگر آنها میگویند که "دانشگاهها از بامب خوشه‌ای خطرناکتر است". آری آنها در بافته اند که دانشگاهها از بامب خوشه‌ای برای حکومتها و ضد خلقی خطرناکتر است. سردمداران حکومت زمانی سخن از اهداف واقعی خود از به تعطیلی گذاشتن دانشگاهها گفتند که در بافتند هیچیک از توده‌ها تبلیغات آنها را در زمینه "انقلاب فرهنگی" با ورنه آرد و مسرودم میدادند که آنها دروغ میگویند و این قبل از هر چیز ساختار تجربیاتی بودند که توده‌ها در دوران حکومت محمد رضا شاه در باره دانشگاه و جنبش دانشجویی داشتند.

حکومت جمهوری اسلامی اکنون در شرایطی قرار گرفته است که بیش از آنکه بدنبال بیاید کردن برنا مسه اقتصادی خاصی باشد، در پی عملی نمودن اهداف سیاسی خویش است. سردمداران حکومت بخوبی میدانند که وضعیتی اسفبار دارند و بنا بر این مقابله با جنبش توده‌ای بیش از هر چیز دیگری برای آنها مهم است. فی المثل آنها میدانند که تعطیلی دانشگاهها ضربات اقتصادی ای نیز بر دیگران این حکومت وارد خواهد آورد و دولتی نیست. برای آنها این مهم نیست، مهم آنست که سپهر وسیله ممکن، جنبش فدا میر با ایستگی خلق و اسرکوب نموده، زیرا اکنون مسئله برای آنها مسئله مرگ و زندگی است.

اگر وضعیت جنبش در دوران حکومت شاه خائن این امکان را بدو میداد که علیه رژیم وجود حرکات وسیع دانشجویی دانشگاهها را با زنگهدار در زیر آرزو نظراً اقدامی با بیدار نشکها به فعالیت خود ادامه میدادند تا اکنون حکومت جمهوری اسلامی با آنچه بحران بحرانی روبرو است که ناگزیر با بیدار منافع اقتصادی آشی خود میگردد تا اهداف سیاسی عملی گردد و منجمله از طریق تعطیلی دانشگاهها با جنبش دانشجویی مبارزه نماید.

با توجه به همین نکته است که در میبایم حکومت برای مقابله با جنبش دانشجویی و سائن نتیجه مخالفت با با زنگشانی مجدد دانشگاهها از دست زدن به خشونتها رترین حرکات ابائی ندارد و حاضر است تا همچون زمانی که سنگرش دانشگاهها را از خون دانشجویان رنگین ساخت برای مقابله با با زنگشانی مجدد دانشگاهها به هر حرکتی از ضرب و جرح گرفته تا کشتار دست زند. این مسئله‌ای بود که چنانچه با زمان سیاسی ای که قصد آن داشتند تا به منظور اعتراض به تعطیلی دانشگاهها در روز ۲۳/دیماه، دست به تظاهرات بزنند می با بیدار در نظر میگرفتند و مطابق آن برنا مهای مناسب تهیه میدیدند.

حرکت به منظور اعتراض به تعطیلی دانشگاهها حرکتی بسیار صحیح است و به همین خاطر ما با حرکت چهار ساله سازمان سیاسی فی نفسه مخالفتی نداشته‌ایم. هرچنانچه سیاسی ای که با برنا مهای مناسب بدین منظور دست به حرکت زند، در این شرایط حرکتی صحیح انجام داده است، اما چهار ساله سازمان سیاسی مذکور با توجه به برنامسه خویش محاسبه نکرده بودند که در صورت تهاجم گسترده حاکمیت به با بدبگنند و این درست همان نکته ایست که موجب گردید تا حرکت آنان نتایجی منفی بیار آورد.

حاکمیت که از برگزاری این تظاهرات هراسان شده بود، همه چیز را برای قتل و کشتار آماده نمود. ابتدا با تبلیغات خود در باره اینکه سازمانهای سیاسی ای که تظاهرات را بر انداخته اند، "مسلح هستند"، گوشید تا اولاً این سازمانها را بوحشت بیاندازد و ثانیاً "زمینه کشتار را فراهم سازد تا اگر نیاز به آن شد تا بسیار دیگر چهره‌گریه خود را بر این بصرض نماید. گذارد و با زهم کشتاری دیگر بر آید و اندازد اینگونه توجیه کنند که این سازمانهای سیاسی بودند که کار را به اینجا کشاندند.

**حرکت به منظور اعتراض به تعطیلی دانشگاه
حرکتی بسیار صحیح است.**

سپس تبلیغات خود را بر علیه این تظاهرات هر چه بیشتر گسترش داد و طبق معمول با تبلیغ مبتذل این مسئله که تظاهرات بنسبت آمریکا و عراق صورت گرفته اراجیفی را که همیشه میگوید تکرار کردند تا همچون گذشته

نعل وارونه زده، خود را فدا مپریالیست و فدا مپکاشی و سازمانهای سیاسی را وابسته به آنان قلمداد نماید، در عین حال حاکمیت متحدان خود یعنی دوجریان خیانتکار اکثریت و حزب توده را نیز در کنار خود داشت و آنها با دردست گرفتن پلاکاردها و پخش اعلامیه تظاهرات را "تخریم" کردند و سازمانهای سیاسی را متحدان "پورزوازی لیبرال" خواندند. این واکنش از سوی آنان بسیار "طبیعی" بود و مایه شگفت زندگی هیچکس نشد. اگر در گذشته همه میدانستند که "حزب آلوده ترده" چگونه "حزبی" است، امروز هم همه میدانند که "اکثریت" از چه قسمی است و چه میکند. حرکت "اکثریت" مشخص است. تمامی راهپیماییها و تظاهرات و نما یشهای حکومت را "فدا مپریالیستی" و همه راهپیماییها و تظاهرات سازمانهای سیاسی را در "خدمت امپریالیسم" میدانند! تمامی حرکات حکومت را باعث "ارتقاء جنبش توده ای" و تمامی حرکات سازمانهای سیاسی را موجب "بدانحراف گشتاندن جنبش توده ای" قلمداد میکنند. و این در واقع چیزی نیست جز تشویر بزه کردن آگاهان و "نوکر قدرت".

و علاوه بر این، حکومت تقریباً تمامی دستگاہهای سرکوب خود را برای قتل و کشتار سازمان داد. از پاسداران گرفته تا کمیته ها و دسته های حزب اللهی همگی تحت رهبری ای واحدیه "انجام وظیفه" برداشته و به بالای بام ساختمان بلندی در مقابل دانشگاه تیرباری نصب شد. شهر بانی برخی خیابانها را بست و علامه آنکه حکومت سازمان یافته به مقابله با این حرکت پرداخت.

همانطور که گفتیم واکنش حکومت و ایما د آن کاملاً قابل پیش بینی بود، و تمامی اینها را باید اقلیت رزمندگان، پیکارور راه کارگردانان و رزایی های خود محاسبه میکردند که نگردند و دیدیم که راه کارگربیش از سه و طبق معمول خود را کنار کشید.

در شرایط کنونی آنچه که برای توده ها مطرح است راهگشایی عدلی در سازمانها میباشد. آنها از سازمانهای سیاسی انتظار دارند که در عمل و نه در تبلیغات سیاسی صرف، راه چاره را به آنها نشان دهند. فی المثل بر سر مسئله دانشگاهها صحبت صرفاً "بر سر آن نیست که اهداف ضد خلقی حکومت از تعطیلی دانشگاهها به توده ها گفته شود، بلکه مهمتر از آن تحقق چنان برنامه هایی است که توده ها بتوانند عملاً" مانع از اجرای مقاصد رژیم شوند. بنا بر این هنگامیکه سازمان یا سازمانهایی دعوت به تظاهرات میکنند و سپس از اجرای عملی آن سر باز میزنند، گرچه رژیم تبلیغات وسیعی را بر علیه این حرکت بر آه اندازد و با نتیجه دشمن خود تبلیغ سازمانهای سیاسی بشود، نتایج منفی آن بیش از نتایج مثبت آنست و به همین دلیل ما فکر میکنیم که نتیجه حرکت چهار سازمان سیاسی آن بود که آنها با محاسبه نکردن وضعیت، در یک حرکت بطور کلی درست نتایج بطور مشخص منفی برجای گذاشتند.

در شرایط کنونی جنبش دانشجویی میتواند دور با ید حول سه شعار رزایی دانشگاهها، استقلال دانشگاهها، عدم مداخله نیروهای سرکوبگرا و هر تمای که باشد و هر رنگ و لبا سی که داشته باشد به مبارزات خود در بعه "دموکراتیک" آن ادامه دهد و انتقاد آن اشکالی از حرکات اعتراضی دانشجویی که رژیم قادر به سرکوب آن نگردد، یکی از وظایف سازمانهای سیاسی مبارز است. آن شکلی از حرکت اعتراضی دانشجویی که در این شرایط میتواند کار ساز بوده و رژیم ناتوان از سرکوب آن باشد، شکل تظاهرات یکپارچه و همزمان سازمانهای سیاسی است. مثلاً میتوان در یک روز در اینجا نقطه تهران تظاهراتی ۵۰ یا ۶۰ نفره انجام داد. این شکل از کار البته دشواریهایی دارد. اول آنکه هر سازمان میباید روابط سازمان یافته ای با هواداران خود داشته باشد، ثانیاً "اجرای چنین حرکتی با توجه به ضعف سازمانهای سیاسی، برای یک سازمان بتنها نمی مشکل است و با نتیجه میباید چند سازمان با توافق با یکدیگر آنرا بر مرحله اجرا در آورند و ثانیاً "پیوستگی" توده ها به صفوف این تظاهرات بدلیل پراکنده گی، عدم اعلام رسمی قبلی و سرعت تجمع و پراکنده گی آن، مشکل است اما قطعاً "در ادامه خود میتواند نیروی توده ای را نیز به میدان بکشد و این تجربه است که در حزبستان جنبش اخیر و در حالت محدود آن در تمامی حرکات دانشجویی از سال ۵۰ سصدیکار گرفته شده است. بهر حال این شکل از تظاهرات را رژیم نمی تواند سرکوب مؤثر نماید و به هر اندازه هم که ماشین سرکوب خود را سازمان دهه از فلج کردن عملی آن ناتوان است.

اما بعنوان کلام آخر فکر میکنیم که ذکر نکته ای ضروری باشد. انجام یک تظاهرات از طرف یک سازمان (بقیه در صفحه ۱۷)

ارتش ضد خلقی تکاوران مبارز بوشهر را تحت فشار قرار داده است

رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در پی سیاستهای سرکوبگرانه خویش، اخیراً "ازبین تکاوران بوشهر که دارای سابق مبارزاتی بوده و در جریان نیام بابهای توده های مردم بر علیه ارتش امپریالیستی بیاض استه بودند و پس از آن نیز زیر بار فرمان فرماندهان مزدورنمی رفتند، ۳۰۰ نفر را به بیجا نماندگی برداشتن استعداد تکاوری و شجرت رزمی " ازبین واحده قرارگاه نیروی دریایی بوشهر منتقل کرده است تا در موقعیت مناسب آنان را به نیروی زمینی منتقل کرده و برای سرکوب خلق رزمنده کرده به گردستان روانه سازد. در همین ۳۰۰ نفر افرادی که از جبهه فرا خوانده شده اند و با در جریان جنگ غیر ما دلانسه دود دولت ایران و عراق محروم گردیده اند، دیده میشوند. رژیم مذمومها نه میگویند به سربازان انقلابی ارتش را و در روی خلق قرار دهند. خلق مبارز ایران باید بداند که اگر رژیم جمهوری اسلامی در شرایط استیصال کامل توسط فرماندهان و افسران ارشد و مزدوران ارتش هر روز توطئه جدیدی علیه خلق مایه ریزی میکند و لای جنی سردرون ارتش بعنوان تکیه گاه عمده ضد خلق نیروهای از درجه داران و افسران جزء هستند که علیه مردم تمایل فرماندهان نشان به فلسطی و مبارزات آنها می اندیشند. این نیروها بخصوص بعد از قیام ۲۲ - ۲۱ بهمن تا آنجا که توانسته اند دست بسه مبارزه زده اند. بیهوده نیست که رژیم عدهای از درجه داران و افسران مبارز و انقلابی را بعنوان پاکسازی از کار اخراج کرده و جهت جلوگیری از مبارزات این نیروها تفهیدنامه های را تنظیم نموده است و سعی دارد توسط این تفهیدنامه ها عناصر مبارز را تحت فشار قرار دهد.

مستحکم باد پیوند پر سمن انقلابی ارتش با جریکهای فدائی خلق ایران

ارتش جریکهای فدائی خلق ایران مستحکم باد پیوند پر سمن انقلابی ارتش با جریکهای فدائی خلق ایران

جریکهای فدائی خلق ایران در پی مبارزات مسلحانه و فعالیت های سیاسی در جبهه های مختلف و در شرایط جنگ را میسر کرده اند و این مبارزات با نهایت ایستادگی و شجرت بوده و با افشای سازش و تسلیم هر لحظه احتمالی دیگر - آگاهی مردم بوشهر برای سوز انگار بوده و انقلابی کردن ذهن آنان تبدیل کرده و سرانجام جنگ غیر قابل بازگشتی خلق طبقات ستمدیده و محروم علیه طبقات مستکرم و سوداگر تیلین کشور

و طبقه کمونیستها نه دفاع از یکجانبی دو قطب ضد خلقی بلکه دفاع از منافع و حقوق طبقات ستمدیده و دفاع از جنبش انقلابی مردم و مصالح این جنبش است

شماره ۲۲ - سازمان سرداران جریکهای فدائی خلق ایران - زمستان ۱۳۷۵

در مهاباد و حومه چه خبر است

چندوقتی است که حکومت فده خلقی کنترل شهر مهاباد را بنا بر دست گرفته و کوشش مینماید تا فضای خفقان را بر شهر حاکم گرداند، اما آگاهی مردم مهاباد مانع بزرگی بر سر راه آنان است. علیرغم فشار ارتش و پاسداران و علیرغم تبلیغات جریانات خائنی همچون "اکثریت"، "حزب توده" و "انشعاب بیرون از حزب دموکرات"، مردم رزمنده مهاباد با تمام وجود از پیشمرگان فده خلقی کرد حمایت کرده و از طرق ممکن به آنان یاری میروانند.

حکومت هراز چندگاه منطقه ای از شهر را اشغال کرده و بدینال انقلابیون میگردد و به اذیت و آزار مردم میپردازد. در روز ۲۸/۹/۵۹، پاسداران به همراه جاشهای خود فروخته منطقه "کوبین باد" را که یکی از مناطق فقیرنشین شهر مهاباد است، اشغال نموده و با شناسائی یکی از افراد مبارز بسوی او تیراندازی کردند و سپس بخانه گردی پرداخته و مردم زحمتکش کوبین آبا در مورد اذیت و آزار قرار دادند و با لایحه ای آنکه حاصلی از اینهمه ردالت ببرند، دست از پا درازتر منطقه را ترک کردند.

سپاه پاسداران در مناطقی از شهر که گمان میرود پیشمرگان شبانه در آنجا رفت و آمد میکنند، کمین میگذازد و دوهرگس را که بیودلیل از خانه خارج شود، دستگیر میکنند. فی الحال در شب ۲۹/۹/۵۹، آنها در منطقه "سه علشان" (سه آسیاب) که یکی دیگر از مناطق مسکونی زحمتکشان مهاباد است کمین گذاشته و ۱۱ نفر از مردم بیگناه را که در حال رفت و آمد بودند دستگیر کردند.

رژیم کوشش میکند تا ادارات مهاباد را از عناصر انقلابی و مبارز با مصلحت "پاکسازی" نماید. بهمین دلیل تاکنون از ادارات مختلف مخصوصاً "اداره آموزش و پرورش غده ای را اخراج کرده است. همچنین ۳۰ تن از کارکنان رادیو و تلویزیون فده با بد نیز بهمین بهانه اخراج گردیده اند.

سپاه پاسداران، یک پاسدار را بعنوان فرماندار شهر مهاباد بر سر کار گذاشته است. در تاریخ ۵۹/۱۰/۱ رادیو و تلویزیون مهاباد مصاحبه ای با این فرماندار گذاشتی انجام داده است که مصاحبه کننده نیز یک پاسدار بود، زیرا بدلیل اخراج ۳۰ تن از کارکنان رادیو و تلویزیون این اداره گزارشگر کم آورده است. مادر این مصاحبه ها را میخوانیم.

جناب فرماندار در زمینه مسئله کردستان چنین گفت: "ما سعی کردیم که مسئله کردستان را بطریقی سیاسی حل نمائیم ولی سازمانهای غیرقانونی مانع اینکار شدند." (این درس را از "اکثریت" آموخته است) سپس اضافه کرد که "در مسئله کردستان کلاه سر ما رفت، زیرا ما حسن نیت نشان میدادیم (عجبا!) و این نیروهای ضد انقلاب بودند که جریانات فده، سندیج و... و پاهو را بوجود آوردند. ما دیگر حسن نیت نشان نخواهیم داد (گویا که تاکنون حسن نیت نشان داده اند!!) مردم مبارز ایران بدانند که از نظر سپاه پاسداران بمباران شهرها و روستاها، تیرباران مردم، محاصره اقتصادی و ایجاد قحطی بمعنی "حسن نیت" است) و از این پس از سه کانال که کانالهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است با مردم روبرو خواهیم شد، ولی در مورد ضد انقلابیون از راه نظامی وارد میشویم" (خوب بود که جناب فرماندار توضیح میداد که ضد انقلابی به چه کسی میگویند تا ببینیم کسی جز جاشها، توده ایها، اکثریتی ها باقی میمانند که کانال چهارم شامل حسان آنان نشود؟)

جناب فرماندار سپس درباره بازرگانی مدارس و ادارات شهر مهاباد گفت: "تا برای ما امنیت نباشد این کار را انجام نخواهیم داد" (جناب فرماندار با آنهمه آهن و تلباح حسابی ناامنی میکند) و اگر امنیت باشد به غیر از اینکارها به جهاد سازندگی نیز میپردازیم" (مردم کردستان خیلی خوب میدانند که جهاد سازندگی در کردستان چه وظایفی را بر عهده دارد. جهاد سازندگی سنگرمی سازد، جاسوسی میکند و با خلق کرد میجنگد).

اوسیس درباره محاصره اقتصادی کردستان گفت که: "ما میخواهیم اقتصاد کردستان را روبرو کنیم. ما با وجود آنکه نفت در ایران کم است برای مهاباد نفت فرستادیم ولی گروههای مهاجم نفت ما را زدیدند و نگذاشتند که نفت به شهر برسد" (منظور او مصاحبه دوتا نکر نفت توسط پیشمرگان چریکهای فدائی خلق ایران است که برای ارتش و سپاه پاسداران مستقر در مهاباد نفت میبردند اما ایندوتا نکر در راه میانند و آب - مهاباد

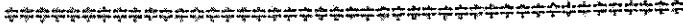
توسط رفقای ما مصادره شده و نفت آن در بین روستائیان توزیع گردید. معلوم میشود که اگر اقتصادگردستان رو براه نرفته است به این دلیل بوده که ارتش و پاسداران نتوانسته اند خود را با نفت آن دوتا نگر گرم کنند! آیا محاصره اقتصادی دیگر روستاها و شهرهای کردستان همچون بوکان که مردم حتی چیزی برای خوردن ندارند بدلیل آنست که دوتا نگر نفت ارتش و سپاه پاسداران در راه میا با مصادره شده است؟



در تاریخ ۵۹/۱۰/۱، حکومت ضد خلقی از طریق راندیو اعلام کرد که روستائیان " ایندرفاش " باید تا ساعت ۱۰ صبح روستا را تخلیه کنند، زیرا بدلیل نفوذ " غذا شقلاسیون " در این روستا ارتش و پاسداران میخواهند به آن وارد شوند. مردم مبارز و زحمتکش ایندرفاش که یکبار شاه قتل عام زن، فرزندان و خواهران و برادران خود میوه اند، اعلام کردند که حاضر به ترک روستا نیستند و در مقابل ارتش و پاسداران مزدور مقاومت خواهند کرد. اهالی دیگر مناطق و همچنین پیشمرگان دلیر جریکهای فدائی خلق ایران، حزب دمکرات کومله و بیگانه ریمنطور حمایت از روستائیان بدروستای ایندرفاش وارد شدند. رژیم پس از ساعت اعلام شده بوسیله هلی کوپتر و سلاحهای سنگین همچون خمپاره و توپ و سلاحهای سنگ این روستا را مورد حمله وحشیانه قرار داد اما پس از آنکه با مقاومت دلیرانه روستائیان ایندرفاش و روستائیان دیگر مناطق و همچنین پیشمرگان دلیر خلق کرد مواجه شد، بناچار عقب نشست. طبق اطلاع رسیده در این درگیری (پیشمرگ زخمی و یک جوان شهید شد. از ضرباتی که بدشمن وارد آمد، اطلاعی در دست نیست.



در تاریخ ۵۹/۱۰/۵، در ساعت ۷ صبح تعداد زیادی ارتشی، پاسدار و جاش به منظور اذیت و آزار روستائیان، بدروستای " دوسیدآباد " که در نزدیکی نها با دستور دارد، وارد شدند. روز قبل پیشمرگان بمنظور انجام مأموریت ده را ترک گفته بودند و دشمن نیز کوشید تا از این فرصت استفاده کند. روستائیان که از آمدن پاسداران، ارتش و جاشهای مزدور مطلع شده بودند، قبل از رسیدن آنها ده را ترک کردند. در ده تنها چند جوان با سلاحهای سنگ باقی ماندند تا بنحیه وسائل پیشمرگان را از ده خارج کنند. ارتش و پاسداران و جاشها ده را به خمپاره و رگبار سلاحهای آمریکائی خود بستند، اما هنگامیکه ده وارد شدند آراخالی از سکنه یافتند. آنها شروع به خانه گردی کردند و هر کجا که به شناسنامه و یا عکس جوانان برخورد میکردند آنرا به همراه خود میبردند. آنها در ساعت ۳/۵ بعد از ظهر شروع به عقب نشینی کردند. در این مدت روستائیان پیشمرگان را از حمله ارتش و پاسداران مطلع کرده بودند ولی هنگامیکه پیشمرگان خلق دلیر کرد به روستا رسیدند، پاسداران و ارتش ده را ترک گفته بودند. مردم روستای " دوسیدآباد " در ساعت ۴/۵ بعد از ظهر در حالی که بار دیگر تها و زحمت ضد خلقی را بخانه و کاشانه خود مشاهده کرده بودند، با روحیه ای عالی و عزمی استوار در مبارزه سر علیه حکومت جمهوری اسلامی بروتا باز گشتند.



خلقهای رزمنده ایران!

ما جنگ رزم ایران و عراق را جنگی غیر مادی ندانیم

هی ما نمیم، و شرکت در آن را نفی کرده خواهیم قطع آن

میباشیم

ما می گوئیم که باید این جنگ غیر مادی را به جنگ مادی تبدیل کنیم

یعنی جنگ خلق با امپریالیسم و محال آن تبدیل کنیم

*** پیش بسوی ایجاد هسته های مقاومت ***

زنده بسواد خلقی رزمنده گسرد

گزارشی از روستای بسرو

روستای سرود نزدیک مرز ایران و ترکیه قرار دارد. راهی از وسط این روستا گذشته و به ترکیه وصل میشود که از لحاظ اقتصادی اهمیت زیادی دارد. روزانه صدها کامیون کالا از این راه خارج و وارد میشود. این روستا جمعا در حدود ۹ خانوار جمعیت دارد. همچنین یک گروهان ژاندارمری و یک پمپ بنزین و چندین خانه سازمانی در این روستا وجود دارد.

دو برابر بنام های جهانگیر و عصمت خان در این روستا هستند. مدت ۶ سال است که اینها روستائیان زحمتکش را غارت و استثمار می کنند. این مزدوران در زمان شاه خائن از اعضای فعال مساواک بودند و با سازمان امنیت ترکیه "میت" نیز ارتباط داشتند. اینها آنچنان روستائیان زحمتکش را مورد آزار و بهره کشی قرار دادند که عده ای از روستائیان به دولت ضد خلقی ترکیه پناهنده شدند و عده ای دیگر به روستاهای بالو (اطراف ارومیه) مهاجرت کردند. تا زمان قیام فقط ۱۰ خانوار در این روستا زندگی میکردند که از جماعت بدستان جهانگیران بودند. جهانگیر و عصمت خان در علاوه بر روستای سرود در روستاهای اطراف نیز دست به غارت و چپاول می زدند. بعد از قیام روستائیان زحمتکش روستاهای اطراف سرود از ظلم و جور اربابان دیگر به سر و پناهنده شدند. آنان از دست ظالمی به ظالم دیگر پناه آوردند. روستائیان ستمدین سرود خیال کردند که جهانگیران دری مثلا "از حاجی سامی هناره" بهتر "است ولی این فقط یک خیال بود. سرود دوباره پیران خانواددهقانان شد. جهانگیر و عصمت خان دری و پسرانشان ساواکیها و فرماندهان مزدور ارتش و استانداری جلاد و هر رام خائن را از مرز خارج کردند. مزدوران بعد از این جنایتها شکل کار خود را عوض کرده و "اسلامی" شدند و در پناه ملا حسنی این جلاد مردم قارنا، قتلان، هندرقاش و ساوکانی و غیره به ادا مهرکوب و غارت مردم زحمتکش مشغول شدند. و از دولت وابسته جمهوری اسلامی سلاح و مهمات برای استخدام جاش جهت سرکوب خلق رزمندگانه تحویل گرفتند. این مزدوران سلاحهای رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی را با هزاران تیر و فریب و تهدید و آزار عاب به تعدادی از روستائیان سرود دیگر روستاهای اطراف که در اختیار برادران و خویشا نشان است دادند. روستائیان زحمتکش و با شرفی را که حاضر به پذیرش سلاح و جاشگیری نشدند از سرور و روستاهای اطراف اخراج و به پشت کشتارگاه در ارومیه مهاجرت دادند. این روستائیان مبارزمی گفتند: "اگر بدست جهانگیر و عصمت خان دری، ملا حسنی و رژیم جمهوری اسلامی کشته شویم بجنگ برادران خود نمی رویم."

جهانگیر خان دری و دارودسته اش تنها به رژیم جمهوری اسلامی خدمت نمی کنند و از آنجا شیکه بدآورم این رژیم زیاد میدارند و رنیتند و از آنجا شیکه منافع این مزدوران فقط با خیانت به خلق تاء مین میشود، اخیرا چنین شایعه پراکنی می کنند که: "بختیار خود مختاری کردها را امضاء کرد. و هر وقت به ایران بیاید آنسراده دستی به کردها خواهد داد". این مزدوران در چندین روستا برای بختیار خائن و خود فروش و دارودسته اش تبلیغات می کنند و حتی شایعه کردها ندکه هر کس اسلحه بختیار را قبول کند ما هی ۵۰۰ تومان با و داده میشود. این است گوشه ای از جنایات و ما هیت فئودالیهای مرتجع نظیر جهانگیر و عصمت خان دری و پسرانش.

آنچه که اکنون در رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در روستای سرود می گذرد و صافی است که حتی در قرون وسطی نمونه های آن کمتریافت میشود. مثلا "نمونه های چندی را می توان بیان کرد، از هر خانواده روزی یک نفر به بیگاری برای جهانگیر و عصمت خان دری یا بدبختها. شبها از هر خانواده یک نفر باید برای این مزدوران و پسرانش به پاسداری منازل آنها مشغول شود. عده ای را به پاسداری از گروهان ژاندارمری و گمرک واداشته اند هر کس که حاضر به بیگاری، نگهبانی و سایر کارها نشود بوسیله جهانگیر خان و پسرانش به فلک کشیده میشود و نباید جریمه وزندانی گردد.

سؤال و جوابی را که میخواهید وضعیت آن عده زدهقانان سرور که با زور و آزار با اسلحه دریافت کرده اند و بعنوان "جاش" جمهوری اسلامی استخدام شده اند نشان میدهد.

س - شما برای چه هدفی اسلحه گرفته ای ؟
 ج - ما برای هیچ هدفی اسلحه نگرفته ایم فقط با تهدیدهای جهانگیر خان که می گفت شما را از سرود اخراج می کنم اسلحه گرفتیم.

س - چرا ما نند آن عده ای که به روستای بالو و پشت کشتارگاه مهاجرت کردند در رفتید ؟
 ج - ما یعنی آن عده ای که حالا در سرور زندگی می کنیم به غیر از جماعت بدستان جهانگیر خان، از لحاظ مالی در مضیقه بودیم و هستیم. من خودم زمانی که از روستای اسکندرآباد به اینجا مهاجرت کردم شروتم بطور کلی ۱۰۰۰ تومان بود. پس چطور می توانستم با این وضع فلاکت نبار به شهر مهاجرت کنم.

رفقای که خبر تهیه میکنید:

تهیه اخباری که گوشه‌ای از زندگی و مبارزات خلق ما را نشان میدهد، یک وظیفه مبارزاتی است. ضمن آنکه برای با انجام رساندن این وظیفه خود را سازمان دهید، بدنگات زیر توجه کنید:

۱- اخبار را با دقت و تکر جزئیات و تاریخ و ساعت تهیه کنید.

۲- همیشه هوشی بودن آن مطمئن باشید.

۳- همه‌ها هیت واقعه‌ای که رخ داده است، توجه کنید. برخی حرکات بوسیله بخشی از طبقه ما که بی‌واسطه بعضی دیگر از خودشان صورت میگیرد و ظاهراً مردمی دارد.

۴- خبر مربوط به یک رویداد یا را سیدرتنگ پس از مطلع شدن از آن تنظیم نمائید و در اسرع وقت بدست ما برسائید.

۵- گذشته از خبرا گریه عکسها و یا طرحهای خوبی برخوردار گردید آنها را برای ما ارسال نمائید.

۶- اخبار و گزارشات را ختنی السقدور با خط خوانا بنویسید.

۷- نظرات خود را برای بهبود خبرنامه برای ما بنویسید. سعی کنید از امکات خبرنامه تدربین مسردم (ساخنی از آنها) آگاه شده، نتیجه را برای ما بنویسید.

هدف از برآه انداختن نمایش هیئت بررسی مسئله شکنجه، فریب توده‌ها است، زیرا:

شکنجه گران جنگی ایادی حکومت ضد خلقی جمهوری اسلامی هستند.

هنگامی که شکنجه گران با

جریکهای فدائی خلقی ایران ۵۹/۱۰/۲۲

تراکت : ۵۸

● آذرشهر ●

در فاصله ۲۲/۸ تا ۵/۹/۵۹ گزارشاتى که رسیده حاکی از آنستکه در مساجد مختلف کوی و بوزن آذرشهر مردم ستم دیده مخالفت خود را با رژیم جمهوری اسلامی در پوشش حمایت از شریعتمداری نشان میدهند. مشاخره و کشمکش بر سر تعویض عکسها و پاشین کشیدن عکس یکی و نصب عکس دیگری بجای آن در مساجد کوی کردان علیار کوی دیبز سفلی و یا مخالفت و مسانعت از سخنرانی افراد منتسب به سپاه پاسداران و نهضت سوادآموزی و یا آخوندهائی که علناً از رژیم طرفداری می کنند در مساجد کوی کردان سفلی، کوی پرا پروکوی کشک بطور مشخص بسیار بنگر اینستکه مردم زحمتکش آذرشهر از هر آنچه و هر آنکس که مربوط به رژیم و وابسته به آن باشد متنفر دارند. چون جز فقر و بیکاری، گرانی، سرکوب و کشتار و اخیراً مصیبتهای جنگ ارتجاعی دولت ایران و عراق از جانب رژیم ضد خلقی کنونی چیزی ندیده اند.

رفقای هوادار!

سواضع جریکهای فدائی خلق ایران در این باره بارها و بارها در اعلامیه‌ها و بخصوص در جزوه (سازش طبقا - تی زیر پوشش مبارزه ضد امپریالیستی) و کتاب (سورژوازی لیبرال ؟) بیان شده است.

رفقا با دیده دقیقاً حرکات، مبارزات و خواسته‌های خلق قهرمان ترک و بخصوص زحمتکشان آذرشهر را از سیاستهای ضد مردمی و کوششهای ارتجاعی شریعتمداری منلوم الحال جدا کنند و این تفاوت را برای توده‌ها توضیح دهند. با بدیدانند که مبارزات توده‌ها و نفی حاکمیت امپریالیستی موجود از جانب آنان دقیقاً بغاطر قطع کامل از سلطه امپریالیسم و مزدورانش و نفی هرگونه وابستگی است و نه برای اینکه عده‌ای را طرد نمایند و بدو مزدوران و وابستگان دیگر جمع شوند.

(بقیه در صفحه ۳)

لغو هرگونه باج دولتی خواسته روستاداران زحمتکش میهن ملیست

را درج کنیم فقط قسمتی از آن را چاپ کردیم ما امید
- داریم که من بعد نیز شاهد آثار زیبای رفقای خود
باشیم.

با درودهای انقلابی - خبرنامه

بنویس در ارتش خلق
توبه ساری
بهاران زتوست
اینگ من آمده ام
اسلحه مرا بده
اسم مرا بنویس
دهقان عضو ارتش خلق
.....
.....
.....
.....

یکی از روستائیان زحمتکش هوادار " جریکهای
فدائی خلق ایران " در صومعه سراسهری سروده برای
ما فرستاده است. با وجود آنکه این شعر بسیار زیباست
ولی متأسفانه سلفیست کمبودها نخواستیم تمامی آن

شوگل سرخ مایی
تویا رویا ورمایی
تو درخشنده تر از خورشیدی
ای چریک ،
ای یار همیشگی زحمتکشان
اینگ منم
با دستهای پینه بسته
با صورتی چروکیده
اینگ منم دهقان
منم رنج دیده
اسم مرا بنویس

نور

عصر روز پنجشنبه ۵۹/۹/۱۳ " ابراهیمی " عضو
شورای فرمایشی شهر همراه با ایدی و جماعت داران حزب
جمهوری اسلامی به کتاب فروشی هواداران یکی از
نیروهای سیاسی حمله ور شدند. هواداران نیروی سیا
سی به مقابله با این مزدوران برخاسته و از خود دفاع
کردند. در نتیجه این زد و خورد " ابراهیمی " مزدور
شکست ویکی از هواداران آن نیروی سیاسی بیپوش
شد که به بیمارستان انتقال یافت .

وشت

راهبیمائی اعلام شده از طرف حزب رستاخیز
" اسلامی " که تحت نام حمایت از روحانیت سناورز
(یعنی بنیشتی نوکرا میریالیسی و شرکاء) در تاریخ
۵۹/۹/۱۳ صورت پذیرفت یکی از دیگر کوس رسوا شسی
رژیم جمهوری اسلامی را نواخت. علی رغم تبلیغات
کرکننده و دروغهای شاخدار حزب " فراگیر " و با توجه
به اینکه مدارس و بازاری را نیز به اجبار روز و تعطیل
کرده بودند حدود ۱۵۰ نفر از دانش آموزان پسرکم سن
و سال مدارس شرکت داشتند و همچنین حدود ۲۰۰ نفر از
دختران مدارس و عده کمی آخوند و بازاری صف تظاهر
کنندگان را تشکیل میدادند. مردم زحمتکش نظاره گر
این شمیله بازی با یوزخند و تنفر با این مسئله نرس
خورد کردند.

هواداران جریکهای فدائی خلق ایران - تبریز بمناسبت حرکت انقلابی مردم تبریز دردی ماه
سال ۵۸ بر علیه رژیم جمهوری اسلامی اعلامیه ای تحت عنوان : " قیام پرشکوه دی ماه تبریز تجلی
قهر طبقاتی خلق آذربایجان " در تاریخ ۵۹/۹/۳۰ انتشار داده اند. در قسمتی از این اعلامیه میخوانیم:

"..... تا کنون کردستان قهرمان با بیگر خونین و قامتی ایستاده مقاومت کرده است جریان
منحط کار (اکثریت) ما سنجاش ها از سوی پیشمرگان قهرمان کردستان تحت پیگرد
قرار دارن دو از کردستان این قلب خونین ایران اخراج شده اند. ارتش امپریالیستی
جرات حرکت را در اکثر نقاط کردستان ندارد در حاکمیت سیاسی جمهوری اسلامی در سطح
و عمق وسیعی در کردستان به زیر کشیده شده است. اینها همه مسئولیت مهمی بعهده ما
می گذارد و هر قطره خونی که از خلق می ریزد، کینه به ضد خلق و انتقام را طلب می کند.
با ید مبارزه مسلحانه را در دیگر خلقها گسترش داد زیرا کردستان خونین بدون کمک سایر
خلقها از سرنگون کردن حاکمیت به پیروزی نهای بی نخواهد رسید. با ید در مردم مسلح شدن
و نقش بر آب کردن توطئه خلع سلاح رژیم و تشکیل هسته های مسلح خلق بود.".....

● سرویس‌ها سرآ ●

در تاریخ ۵۹/۹/۷ در چهار راه سردار جنگل سومند - سرا یکی از افراد بسیج، فردی سارزی را کداز قتل - شناسایی شده بود به پاسداران نشان داده باشد. - اران فدائیتی در سرچرا ریه مذکور این فرد را دستگیر کرده شد. مردم و هواداران نیروهای سیاسی متوجه موضوع شدند و بطرف پاسداران هجوم بردند آنها را به بیادکنک گرفتند و شیشه‌های ماشین آنها را شکستند. پاسداران ۳ بدست که خود را در محاصره مردم دیدند -



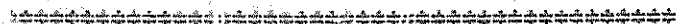
● بوئین - فومن ●

۲ - پاسداران فدائیتی حاکمیت که هر چند وقت یکبار برای سرکشی و بقول خودشان پاکسازی به روستاها می‌روند و ایل آبا نساها سال وارد بوئین شدند و شروع به " پاکسازی " دیوارهای روستای بوئین از علامیه و پیوسته کردند. " پاکسازی " دیوارها از پاکسازی است موجب شد که روستائیان هر چه بیشتر با هیت واقعی حاکمین وقت را در میابند. پاسداران فدائیتی در ادامه " پاکسازی " به صاحب مفازه‌ای که در مفازه اش پیوسته و علامیه چسبیده بود گفتند: " شما فردا جهت پاسخ به چند سوال به سپاه پاسداران فومن سیائید: یکی از جوانان روستا به این عمل پاسداران اعتراض کرده گفت: " شما از این پیرمردهم دست برنمی‌دارید؟ " پاسداران از این حرف جوان به خشم آمده و خواستند که او را بگیرند ولی روستائیان موفق می‌شوند که این جوان را فرار بدهند. پاسداران ناکام در عوض یکی از اهالی روستا را گرفته و با خود به پاسدارخانه بردند و از این شخص سئوالاتی جهت شناسایی افراد مترقی روستا کردند و چون جوابی نشنیدند او را شکنجه کردند و چون شکنجه هم کار ساز نیا فتاد او را آزاد کردند.

روستای بوئین یکی از روستاهای حومه فومن است که در ۶ کیلومتری آن واقع شده اهالی این روستا از سطح آگاهی نسبتاً بالایی برخوردارند که این خود حاصل گذران زندگی سخت، ارتباط با شهر، وجود جوانان آگاه در این روستا و می باشد. سردمداران حکومت جمهوری اسلامی که بقای خود را در جیل و نسا آگاهی توده‌ها می‌بینند از رشد روز افزون آگاهی روستائیان بوئین وحشت زده شده سعی می‌کنند بطریق گوناگون آنها را فریب داده و از مبارزه و روگردان سازند، اما روستائیان بوئین نشان دادند که دیگر عوام فریبی‌های سردمداران حکومتی کارساز نیست. نمونه‌هایی که در زیر می‌آوریم نشان می‌دهد که چگونه حکومت جمهوری اسلامی می‌کوشد تا با استفاده از شیوه‌های گوناگون از شهید گرفته تا سرکوب، روستائیان بوئین را سربراه کند.

۳ - سردمداران حکومتی برای اشاعه تبلیغات جمهوری اسلامی یعنی واران نه جلوه دادن چهره واقعی نیروهای مترقی و مبارز و ایها دفایله بین آنست و روستائیان ستم‌دیده به بوئین سرگ هم می‌کشند. از جمله جهت الاسلام حائری نماینده مجلس فرما پیشین حکومت جمهوری اسلامی یکشنبه ۵۹/۸/۲۴ به بوئین رسید و اردش، و وقتی از آگاهی روستائیان بنا خبر گردید گفت: " من شنیده بودم که در بوئین داس و چکش بسالا برده اند و آنها را لنینگرا در دست کرده اند. "

۱ - در اوایل پائیز سال روستائیان بوئین به فرمانداری فومن می‌آجعه کرده و از آنان خواستند که برای سهولت رفت و آمد روستائیان و دانش آموزان به شهر، پلی در روستا احداث شود. ولی مسئولان فرمانداری از جمله فرماندار فومن در جواب این خواسته برحق روستائیان گفت: " شما اول بروید آن روستا - ستان را که لنینگرا دشده است درست کنید تا بعداً برایتان پلی احداث کنیم. " ولی مقاومت روستائیان و فرزندان دانش آموزان کبابی در پی مقابله فرما - تداری فومن بمنوان اعتراض تجمع می‌کردند با عت شد که مسئولان حکومتی عقب نشینی کرده و روستائیان بخواست خود بر سند.



● قائم شهر ●

خائنین خلق را به کمرش در مقابل حاکمیت و ایستادگی ما امپریالیسم می خوانند و نقش " پلیس مخفی " را برای حاکمیت بازی می کنند. هما نگونه که قائم شهر در روز ۵۹/۹/۱۱ نظاره گری نمونه ای از پلیسهای یک توده ای خائن بنام "انتظا می" بود. قائمشهریها دیدند که چگونه یکی از هواداران "حزب خائن توده" پاسداران را در تعقیب مبارزین و انقلابیون یساری نمود. این واقعه نشان میدهد که مبارزین و انقلابیون تا چه اندازه باید در مورد این خائنین به خلق هشیار باشند. انقلابیون باید بدانند که امروز نیز هما نند که دیروز "هر توده ای" یک ساواکی است مگر آنکه عکسش ثابت شود. اما قائمشهریها و خلق ایران یک چیز دیگر را نیز باید ببینند و آن تلاش و کوشش نیروی واقعا انقلابی است که سعی دارد این بدنامان تاریخ را از صحنه مبارزات خارج گردانیده و هما نند اسلافشان به زباله دان تاریخ پرتاب کند.

قائم شهر نیز مثل هر نقطه دیگر کشورمان همسه روزه شاهد دستگیریها و زدن و خوردنهای فراوانی است. روزی نیست که مدای "ژ - ۳" های پاسداران فضای شهر را پر نکنند. روزی نیست که پاسداران چند نفر را به خاک و خون کشند و عده ای را با خود به زندان ببرند. بهر حال قائم شهر از الطاف! خونین حکومت جمهوری اسلامی بی نصیب نیست. اما این قربات تنها از وحشیگریهای حکومت جمهوری اسلامی برخلاف مسا وارد نمی آید، بلکه با بدان را حاصل خیانت های "اکثریت" و "حزب توده خائن" و "حزب رنجبران" و..... نیز دانست. اینان با منحرف نمودن مبارز خلق در واقع به نجات ضد خلق برمی خیزند و بجای تقویت خلق، بدجان ضد خلق می دهند تا با قدرت بیشتری مبارزات توده ها را سرکوب کند. خلق ایران امروز این حقیقت را بخوبی لمس میکنند و می بینند که چگونه این

● قائم شهر ●

شهریها استفا ده از جوی که شهر بانی چی ها بوجود آورده... بودند، فردی را که مشغول خواندن اعلامیه های دیواری بود دستگیر کرد. پس از آن پاسداران نیز یکی از فرو شندگان نشریات را توقیف کردند. آنها برای جلوگیری از مقاومت مردم در قبال دستگیری مبارزین و انقلابیون - سیون، زمانی دست به دستگیری این افراد زدند که مردم سندنرت در خیابانها حضور داشتند.

۵۹/۱۰/۲ - در حدود ساعت ۶ بعد از ظهر در چهار راه شهید حسن سرکاری چریک فدائی خلق (ترک محله سابق) هواداران سازمانها و نیروهای سیاسی که مشغول فروش نشریات سازمانها و پخش اعلامیه های آنها بودند، مورد حمله پاسداران و پلیس شهر بانی قرار گرفتند. قبل از ورود پاسداران به محل دادستان

هواداران چریکهای فدائی خلق ایران - اصفهان در اعلامیه شماره ۵ در تاریخ ۵۹/۹/۲۵ تحت عنوان: "مزدوران جمهوری اسلامی شکارچیان مبارزین خلقند." تروریستمانه یکی از معلمان انقلابی شهر گلو بجه اصفهان، غلامرضا رشیدی را اثناء و محکوم نمودند. در این اعلامیه میخوانیم:

"..... این معلم مبارز در زمان رژیم شاه خائن نیز همواره در جهت کسب حقوق از دست رفته مردم، دست بحركات اعتراضی میزد. و حمایتش از مردم رژیم کنونی را بوحشت انداخته بود تا جایی که دست به ترور وی زد. معلم شهید بین مردم زحمتکش علو بجه دارای محبوبیت زیادی بود. همین پایگاه مردمی وی باعث شد که پس از شهادتش سه روز عزای عمومی در علو بجه اعلام کرده و از شدت خشم شهردار و چند تن از کارکنان شهرداری را بگروگان میگیرند و خواستار دستگیری و مجازات عاملین این جنایت میشوند. شهر دار قول میدهد که از استانداری اصفهان بخواهد که برای رسیدگی به این مسئله خود بجه علو بجه سیاید. اما پس از اینکه با این نقشه از مملکت فرار میکند، بالفور خواستار دستگیری تعدادی از اهالی میشود و در پی آن عده ای از مردم دستگیر میگردند....."

"..... راننده ای میگفت: " دولت بما میگوید برای جبران کسری بودجه نرخ سوزین را افزایش دادیم. نمیدانم تقصیر ما چیست؟ هرگاه خزانه دولت خالی میشود سررویی محرومین جامعه فشار میآوردند. چرا حکومت سراغ سرمایه داران، کسانی که ما سندنذال و سوزیر جان ما را میکنند، نمیروند....."

از اعلامیه تاکمیرانان "اخلاک گریه!" - هواداران چریکهای فدائی خلق ایران - مشهد ۵۹/۸/۲۲

● تنکابین ●

۱ - در روز ۵۹/۹/۱۱ ساعت ۹ صبح تظاهراتی فرمایشی جهت حمایت از روحانیت مبارز (یعنی بهشتی مزدور و میربالیس و شرکاء) در این شهر برپا شد. با اینکه در روز قبل اعلام کرده بودند و از بازار بستان "عزیز" خواسته بودند منازعه‌ها را تعطیل کنند اما جز تعدادی معدود، اکثر منازعه‌ها باز بود. در این تظاهرات حدود ۵ نفر از بزاریان و افراد بسیج و تعداد اندکی زین و دختر شرکت داشتند. مرشدی (یکی از مزدوران رژیم جمهوری اسلامی که سابقه شرکت در سرکوبی نیروهای انقلابی و مترقی و جماعتداری اش راهگان میدانند) در پیشاپیش شعار میداد. تعداد جمعیت اندک بود اما اینکه تعدادی از دانش آموزان را به همراه شخصی از معلمین محافظه کار به تظاهرات آوردند. تعداد در مجموع تقریباً به هزار نفر می رسید که اکثریت آنها دانش آموزان تشکیل میدادند. مردمی که در پیاده - روها بودند به تظاهرات فرمایشی میخندیدند و آشکارا تنفر خود را از حزب حاکم و رژیم نشان میدادند. جمعیت بعد از راهپیمایی در میدان خمینی جمع شد. یکی از کارکنان فرمانداری که قبلاً در کمیته کسار میگردید و آشکارا رخنه‌ها را بین سخنرانی فرایبی !! در حمایت از "روحانیت مبارز"!! ایراد کردند. این تظاهرات فرمایشی دروغهای سیرما در رژیم جمهوری اسلامی مبنی بر اینکه مخالفان شان هم در صدمه هم نیستند را برملا کرد.

۲ - در تاریخ ۵۹/۹/۱۵ یک دختر هوادار یکی از نیروهای مترقی در ایستگاه گلجان مورداهاست

یک دختر فالانتر عضو بسیج قرار گرفت در این شهر برای بسا - ملاح با کساری درودبیار شهر از علامیه و تراکت های نیروهای انقلابی و مترقی از دختران عضو بسیج استفا - ده می کنند - این دو با هم درگیر شدند. مردم حاضر در محل دختر عضو بسیج را سرزنش کردند. در این وقت "مرشدی" چاقی بدست بر سا بچه! و فالانتر مشهور به همراه تعدادی از اذل و اوباش وارد میدان شد. آنها شعارهای بر علیه نیروهای انقلابی و مترقی میدادند. این مزدور دست به آن دختر مبارزه‌اشی نمود. به خاطر این مسئله بین آنها و هواداران نیروهای مترقی و انقلابی و مردم درگیری پیش آمد. "مرشدی" و اراذل - همراهش کتک سختی خوردند. بطوریکه خون از دهان "مرشدی" سرازیر شد. مردم از عمل هواداران نیروهای مترقی و انقلابی بهشتیانی سکرتند.

● گلوگاه ●

۵۹/۹/۲۳ - در ساعت ۲/۳۰ بعد از ظهر یکی از مبارزین گلوگاه با یکی از پاسداران مزدوران شهر که "ابرج عسگری" نام دارد، درگیر شده و موفق به فرار گشت. پاسدار بوسیله کلت کمربندی بطرف فرد مبارز دوتیر شلیک کرد اما خوشبختانه تیرها به هدف اصابت نکرد. مردمی که ناظر بر جریان بودند به شدت از این اعمال وحشیانه پاسداران خشمگین شدند.

اگر داور و دهنده بینی صدور و حزب جمهوری اسلامی هم دیگر را
 افساء میکنند بخاطر اینست که قدرت سیاسی را فدایا قبضه کنند
 و اگر برای رسیدن به اهدای پلید خود نموده‌ها را و جالبصحا
 قرار میدهند بخاطر اینست که فریبگارتند. پس:
 مرگ فریبگاران و دخلکاران!
 شماره ۵
 شماره ۵

تهران

۵۹/۹/۴ - در ساعت ۱۱ صبح، پاسداران در میدان امام حسین (نوزیه سابق) به دخترسازی که مشغول فروختن روزنامه و بیخشی کردن اعلامیه‌های یکی از گروههای سیاسی بوده حمل و ورشده و در صدد دستگیری او برآمده‌اند. دختر مبارز که به مقابله با پاسداران برآمده بود، اجازه نداد که پاسداران او را بیا خود ببرند. او در حالی که با پاسداران در کشاکش سخت بود، صدای بلند مردم را در جریان واقعه می‌گذاشت. او به مردم میگفت که برای دستگیریش آمده‌اند و از مردم می‌خواست که در مقابل این یورشهای وحشیانه مقاومت بکنند. مردم نیز به حمایت از او برخاسته و از پاسداران خواستند که دختر مبارز را آزاد نمایند. اما پاسداران که وظیفهشان تنها جلوگیری از مخالفت‌های سیاسی بوده - ها و نیروهای مبارز و انقلابی است، برای پراکندن جمعیت خاصی دختر مبارز به تیراندازی هوایی پرداختند. اما مردم با شنیدن صدای رگبار ژ-ت "بسه" فشار خود بر پاسداران افزودند. پاسداران سعی می‌کردند هر چه زودتر منطقه را ترک کنند چرا که هر چه بیشتر می‌ماندند، مردم خشمگین ترمی شدند. نتیجتاً پاسداران از یک راننده پیکان شخصی خواستند تا آنها و زندانیان را از منطقه دور سازد. راننده پیکان که

خود موافق این عمل نبود به توسط مردم فرار کرد و رفت. بالاخره پس از نیم ساعت کشاکش بین مردم و پاسداران، پاسداران توانستند آن دختر مبارز را بسه درون ماشین خود ببرند. اما مردم از حرکت ماشین جلوگیری کردند. پاسداران هم دوباره صدای "ژ-ت" های امریکائی را در آورده‌ند تا بلکه بدین ترتیب بتوانند جان خود را از مهلکه نجات دهند. اما مردم را صدای "ژ-ت" فراری نداد. پاسداران توسط مردم خشمگین معارضه شده بودند. آنها همه اعتراض می‌کردند و از پاسداران می‌خواستند که دختر مبارز را آزاد کنند. در این میان پاسداران چند نفری را که پیش از همه فریاد اعتراضشان مطلق بود، شناسایی کرده و خواستند که آنها را نیز دستگیر نمایند. بقیه جمعیت حاضر در میدان، آن چند نفر را در میان خود گرفته و از دست آنان ممانعت کردند. در این هنگام که مردم از دست گیری این عده جلوگیری میکردند، پاسدارانی که در ماشین بودند ماشین را حرکت داده و آن دختر مبارز را با خود برده‌ند اما نتوانستند آن چند نفر را دستگیر کنند. پس از رفتن پاسداران، مردم در میدان باقی مانده و به سختی بر امور این واقعه و وقایعی نظیر آن پرداختند. آنها ارگندگرمی سرسیدند: "راستی این معنای آزادی است؟"

* * *

زحمتگشان ما خوب بخاطر دارند که چگونه هم جناح حزب
 جمهوری اسلامی و هم جناح بنی صدر پرور گشتار
 و سرکوب خلق رزمنده کرده و... به توافق رسیدند.
 آنها هیچگاه در ماهیت سرکوب اخلاف نظر ندارند
 بلکه در شیوه سرکوب است که اختلافی سلیقه دارند.

هواداران چریکهای فدایی خلق ایران - مشهد

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

بازار جمعه - صومعه سرا
 دبیرستان سید محمّی

در صومعه سرا کمتر کسی است که "وصالی" را نشناخته باشد. او از طرف آیت الله حسینی، مأمور به تاسیسات آموزشی و پرورش مومنان شده و وظایف "انقلابی" خود را مطابق میل حکومت ضد خلقی، با اخراج معلمان انقلابی و مبارزه با انجام رساندن، روز دوشنبه ۵۹/۹/۳ "وصالی" ضمن سخنرانی در یکی از کلاسهای دبیرستان محمّی گفت: "ما برای شکست انقلاب نکرده ایم. خنده دانش آموزان پس از این حرف، و مالی را خشمگین کرده و موجب شدا و مدیرد دبیرستان را برای تنبیه دانش آموزان "زبان نهنم"!! بسرکلاس بیاورد. مدیرد دبیرستان پس از حضور در کلاس علت خنده دانش آموزان را پرسید. یکی از دانش آموزان برخاست و گفت اگر شما برای شکست انقلاب نکردید پس چرا این صدمه و حزن را جمهوری اسلامی بر سر کسب قدرت بیشتر، این همه با هم دعوات دارند؟ دیگر دانش آموزان نیز هر یک با سئوالهای خود و مالی و مدیرد را که برای کمک به او آمده بود کلافه کردند. با لایحه مدیرد که ازین به سخگوشی به سئوالهای دانش آموزان برنیا مده بودا "قربانی"، رئیس آموزش و پرورش صومعه سرا کمک خواست. قربانی، که دیپلمه -

های بیکار و مستلمان انقلابی مبارهای بارشا خدا عمل فدمردمی او بودند پس از یک سخنرانی و بازگو کردن فعالیتتای "انقلابی" خود، به دانش آموزان تنبیه ده دقیقه فرصت داد تا پرسشهای خود را مطرح کنند. یکی از دانش آموزان علت کمبود معلم را پرسید. قربانی در جواب، کمبود معلم را هم مثل کمبود تاید، روشن نیابتی، قند، شکر و... به جنگ نسبت داد. ولی دانش آموز گفت: "کمبود معلم ربطی به جنگ ندارد، چرا فلسفه بافی می کنید". قربانی که مشت خود را باز زدید، دستور اخراج دانش آموز پرستگر را داد. او در پاسخ به سئوال یکی دیگر از دانش آموزان که: "اگر شما میاوزه می کردید، چرا وقتی معلم ما بودید، به ما آگامی نمی دادید؟" گفت: "آن وقتها شما نمی فهمیدید". رئیس آموزش و پرورش که سئوالات دانش آموزان عرصه را بر او تنگ کرده بود، پس از آنکه دانش آموزان را تهدید کرد که اگر دیگر حرفی بزنند، دبیرستان را منحل خواهد کرد، فرار را برقرار ترجیح داد. پس از رفتن قربانی، دانش آموزان از رفتن به کلاسها خودداری کردند و خواستار بازگرداندن دانش آموزان اخراجی شدند و با لایحه با گرفتن قول مساعد از مدیرد دبیرستان به کلاسها رفتند.



دانشجویان و دانش آموزان مبارزان؛
 با پیوستن به جنبش دانشجویی و دانش آموزی ۱۹ بهمن، مغفوف دانشجویان و دانش آموزان
 زان مبارز میهنمان را مستحکم تر سازید.

اعمال شکنجه توسط یک حکومت، نشانه هده اوج انحطاط و رذالت و ماهیت ضد خلقی اوست.
 حکومت وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی با شکنجه فرزندان مبارز خلق تنها ماهیت خود را بنمایش میگذارد.
دروغی پوششکننده جوانان
 تراکت: ۵۷
 چریکهای فدائی خلق ایران ۵۹/۱۰/۲۲

(از صفحه ۵)

سیاسی، تنها یک حرکت تاکتیکی است و بالنتیجه تمامی قانونمندیهای تاکتیک بر آن حاکم است. بر نسه تنها میبایست شرایط و اوضاع و احوال و نیروی خود و نیروی دشمن را ارزیابی کرد و منطبق بر آن دریا و اجرای عملی یک تاکتیک تصمیم گرفت بلکه همچنین میبایست رابطه این تاکتیک را با خط استراتژیک مشخص نمود. آنچه در بالا گفتیم قسمت اول مسئله یعنی ارزیابی نیروی خودی، نیروی دشمن و شرایط حاکم بر محیط بود، اما لازمست کسی درباره رابطه تاکتیک با آن خط استراتژی که هر سازمان سیاسی میباید داشته باشد سخن بگوید - نیم. این نکته روشنی نخواهد آورد ایجاد چنین ارتباطی، بین حرکت تاکتیکی و حرکت استراتژیک، آنچه که انجام بگیرد، چیزی جز خرده کاری نخواهد بود و اگر امروز نتایجی مثبت را نیز در برداشته باشد، در دراز مدت نتایج مثبتی بیار نخواهد آورد. ما با شناختی که از چهار سال زمان سیاسی مذکور داریم، میتوانیم بگوئیم که حرکت آنان در روز ۲۳ دی، دارای چنین خصوصیتی بوده است. آنان صرفاً "تحت فشار نیروی هوادار کسبه در شرایط بحرانی کنونی خواستار حرکتی عملی از سوی این سازمانها بوده اند، دست چنین حرکتی زده اند. بگمان ما آنها نیا ندیده اند که چنین حرکتی در مجموعه حرکات استراتژیک یک سازمان انقلابی چه نقشی را میتواند ایفا نماید.

اگر در شرایط کنونی دست زدن به چنین اشکالی از سازمانها امکان پذیر است، اما دوام و بقا و ورشستگی چنین اشکال فرعی تنها حول شکل اصلی مبارزه (مبارزه مسلحانه) امکان پذیر است. اگر چنین ارتباطی بین شکل اصلی مبارزه و اشکال فرعی آن منجمله مبارزات دانشجویی در نظر گرفته شود، مرگ و یافقت چنین اشکالی از مبارزه محض است و دیگر موه ترهم نخواهند بود. چنین اشکالی از مبارزه تنها آن زمان میتواند نتایج واقعا " مثبتی را ببار آورد و رند که وحدت خود را با شکل اصلی مبارزه حفظ کرده و گرنه آن سازمانهای سیاسی ای که تنها با بسطی تاکتیکی حرکت مینمایند در جنبه خرده کاری گرفتار خواهند شد و درجا خواهند مرد.

دانشگاهها باید باز شوند!
دانشگاهها باید مستقل باشند!
دستگاههای سرکوب حکومت
نباید بحریم دانشگاهها تجاوز کنند!



رژیم و استبداد کنونی باید بدانند که با شکنجه انقلابیون و شوه ها، نه تنها به اهداف بلند خویش دست نخواهد یافت، بلکه چهره کوبه خویش را هر چه بیشتر بنمایش میگذارد. بکشیم با افشای چهره واقعی جلادان جمهوری اسلامی، ماهیت آنها ترا هر چه بیشتر افشا سازیم.

هرگز نباشد شکنجه گران

تراکت : ۵۹

جریکهای فدائی خلق ایران ۵۹/۱۰/۲۲

رفقای هوادار:

با انتخاب مطالبی از اعلامیه ها، خبرنامه ها، جزوات و کتب جریکهای فدائی خلق ایران به باز تکثیر، تهیه تراکت، دیوار کوب (اوزالیدیا درشت نویسی)، شعار نویسی (روی دیوار یا پارچه ای) و بپردازید.

رفقا: برای انجام این وظیفه ساززاتی موارد زیر را در نظر داشته باشید: شرایط خاص محلی، وضعیت محیط فعلی، روانشناسی توده ها، مسائل مورد نظر و مسائل سیاسی مطسوح شده در سطح جامعه.

(از صفحه ۹)

س - حالا که شما اسلحه گرفته اید و استفاده هم شده اید، چه کارهایی انجام می دهید؟

ج - ما با این اسلحه شبها به نیاسداری از خانه ها و جاهای دیگر خان و عصمت خان و پسرانش میزدیم و تهدا - دی هم به نیاسداری از گروهان ژاندارمری و گمرک و خانه های ژاندارم ها مشغول هستیم و در ضمن هر وقت که به خان بخواند به خانه اربابان روستاهای دیگر برود، ما هم بعنوان اسکورت همراهیش میکنیم.

س - آیا به شما حقوق هم میدهند؟

ج - بله، ما اوایل استخدام ماهی ۲۵۰۰ تومان پول میگرفتیم و آذوقه هم از شرکت گرفته تا سبب زمینیه به مقدار زیادی به ما میدادند، ولی اکنون حدود ۳ ماه است که هر چه دولت جمهوری اسلامی به اینها میدهد خودشان زهر ما میکنند و حتی یک ریال هم به ما نمی دهند.

س - آیا شما تا حال برای جنگ با برادران کرده خود رفته اید؟

ج - نه، قسم بخدا نرفتم و حتی سرمان هم بریده شدن نخواهیم رفت. ولی بعضی از جماعت بدستان جهان - نگیرخان و برادرش حاضرند به راجائی که دولت جمهوری اسلامی وجهانگیرخان بگویند بروند.

س - شما که به عنوان مزدور استخدام شده اید، آیا با مزدوران حاجی سامی و سایر جاسا ارتباط دارید یا نه؟

ج - ما که نداریم. فقط سرپرستهایمان که همان جهانگیر و عصمت خان هستند با آنها ارتباط مستقیم دارند و عصمت خان هر روز بروستای "ایشکسو" روستای حاجی سامی میرود و هفته ای دوبار هم برای گرفتن اسلحه، مهمات، آذوقه و پول به شهر میرود.

س - آیا در بین شما حزبی یا هوادار سازمان و گروهی وجود دارد؟

ج - بله، هستند ولی از ترس این ظالمان کسی جزائت ندارد اسمی از حزب و سایر سازمانهای دیگر ببرد و اگر روزی ما برای انجام کاری به روستائی که حزب در آنجا باشد برویم، مورد تعقیب قرار میگیریم تا با حزب تماس نگیریم.

حال این گزارش مختصری که از سر و خواندید را با وضعیتی که را دیوتلوویزیون جمهوری اسلامی از مسافرت بنی صدر این مزدور امپریالیسم از آنجا نشان داد و آنهم درباره "رضایت و سعادت" کردهای آن منطقه تبلیغ و تدروغین کردند، مقایسه کنید تا گوشه ای از ماهیت رژیم ضد خلقی کثونی و فریبکاری آنان را دریابید.

هواداران چریکهای فدائی خلق ایران - خسروشهر (خسروشاه سابق) با امکانات محدود خود ما با کوشش انقلابی اعلامیه های شماره یک - دو - سه و چهار را انتشار داده اند. در چهارمین اعلامیه بتاريخ ۵۹/۹/۱ تحت عنوان: "دوره کردن مدارس گرفتن وقت دانش آموزان و دورنگه داشتن آنها از فعالیتهای سیاسی و اجتماعی است." چنین آمده است:

..... " دانش آموزان مبارز خسروشهر:

شما دیدید که عوامل رژیم چگونه در برابر کوچکترین خواسته های برحق شما ایستادند و شما با چشم خود دیدید کسانی را (افراد بسیج) که در حرف در جهت خواهیهای شما بودند ولی در عمل مانع و سد این راه شدند. آنها چرا از یکسره بودن مدارس می ترسند؟ آیا جز این است که آنها می ترسند شما فرصت یافته به آگاهی خود بیفزائید و در مورد اوضاع مملکت خود فکر کنید و بفهمید چه کسانی بر شما حکومت می کنند؟"

..... " خون فرزندان دلیر خلق که در ۱۳ آبان سال ۵۷ با حمله مزدوران رژیم شاه به دانشگاه بر زمین ریخت، هنوز بر سنگفرش دانشگاه نشکیده بود که رژیم جمهوری اسلامی در او خرفورددین و اوایل اردیبهشت ۵۸ سال مسلسل چی ها و جما قدرانش را روانه دانشگاه نمود و آنرا به آتش و خون کشید. رژیم هر چند توانست درهای دانشگاه را به بهانه "انقلاب فرهنگی" ببندد و مانع تکرارهای دانشجویی شود ولی بخاطر داشته باشیم که این "بیروزی" آسان به دست او نیامد

از اعلامیه - " ۱۶ آذر تیلور میثاق خونین جنش دانشجویی با جنبش خلقی گرامی باد! - هواداران چریکهای فدائی خلق ایران - مشهد ۵۹/۹/۱۶

<p style="text-align: center;"><u>ساری</u></p> <p>ب : ۲۱۰۰ م : ۲۲۸۵ ن : ۲۰۵۵ ج : ۵۴۲۸ ط : ۱۰۵۰ - : ۱۴۱۶</p> <p>کد ۸۱۶ - ۶۰۰ ریال رسید</p> <hr/> <p style="text-align: center;"><u>لاهیجان بابل</u></p> <p>۲۰۰۱۵ : م : ۲۲۰</p>	<p>ت : ۱۱۰۴ آ : ۱۰۰۰۹ و : ۱۰۸۷۳ ب : ۲۰۱۵۳</p> <hr/> <p>بهرنگ : ۱۰۰۱ (دو ساله)</p> <hr/> <p>الف : ۱۰۰۴</p>	<p>زاغی کوچولو ۱۰۰۰۰ ریال کمک شما رسید.</p> <hr/> <p>رفیق کارگر ع - م - ب - ب کمک شما رسید.</p> <hr/> <p style="text-align: center;"><u>تنکابن</u></p> <p>رفیق کوچولو (ع - ش) ورفقای دختر کمک مالی شما بدستان رسید.</p> <hr/> <p style="text-align: center;"><u>قائم شهر</u></p> <p>ف - ج : ۵۱۳ م : ۲۵۰۰ س : ۱۰۲۰</p>
---	---	--

* * *

هم میهمان عزیز
 جریکهای فدائی خلق ایران برای
 پیشرفت مبارزه شدیداً به کمک مالی شما
 نیازمندند. این کمکها را بوسیله
 واز طریق مطمئنی که خود می شناسید
 اختیار ما قرار دهید.

★

۹ بهمن ، سالروز شهادت جریک فدائی
 خلق ، رفیق کیومرث سنجری است که با عزمی
 پولادین ، حماسه های پرشکوهی از مقاومت
 در تاریخ مبارزات خلقهای ایران ثبت کرد
 و قطرات خون خویش را در راه آرمان والای
 طبقه کارگر و آزادی خلق از یوغ امپریا -
 لیسم و سگهای زنجیریش ، نثار نمود.
 بادش را گرامی و راهش را ادامه دهیم

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

پرهیزی طبقه کارگر

رفقسنای مسئول توزیع خبرنگار مه
 بیای خبرنگار مه ۲۰ ریال است ، ولی برای توزیع آن در بین زحمتکشان پولی دریافت نکنید .